



حوادث منطقه، مدعیان حقوق بشر را رسوا کرد

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب ظهر روز گذشته در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس، حوادث منطقه و ایستادگی و مجاهدت مقاومت را باعث تغییر در سرنوشت و تاریخ منطقه خواندند و با تأکید بر شکست رژیم صهیونیستی در نابود کردن مقاومت با وجود کشتار بیش از ۵۰ هزار انسان بی‌گناه، شکست بزرگ‌تر را رسوایی فرهنگ و تمدن و سیاستمداران غرب دانستند و گفتند: «در صف‌آرایی جبهه مقاومت در مقابل جبهه شرارت، پیروزی از آن مقاومت است.» آیت‌الله خامنه‌ای مسائل کنونی منطقه و حوادث غزه، لبنان و کرانه باختری را تاریخ‌ساز خواندند و گفتند: «اگر امثال شهید سنوار پیدانمی‌شدند که تا لحظه آخر بجنگند یا اگر بزرگانی همچون شهید سیدحسن نصرالله نبودند که جهاد و عقل و شجاعت و فداکاری را با هم درآمیزند و به میدان بیارند، سرنوشت منطقه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.» رهبری برآیند کنونی حوادث منطقه را شکستی بزرگ نه فقط برای رژیم صهیونیستی بلکه برای تمدن و فرهنگ غرب دانستند و گفتند: «صهیونیست‌ها فکر می‌کردند به آسانی قادر به نابودی گروه‌های مقاومت هستند اما امروز به‌رغم به شهادت رساندن بیش از ۵۰ هزار انسان بی‌دفاع و غیرنظامی و چندان‌تر از سران برجسته مقاومت، و همچنین با وجود انبوه هزینه‌ها و حمایت‌های آمریکا و روسیه‌ای و نگرانی که در دنیا از آنها ایجاد شد به طوری که حتی در دانشگاه‌های آمریکا علیه جنایتکاران راهپیمایی شد، جبهه مقاومت و جوانان مبارز در حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله و سایر گروه‌های مقاومت با همان عزم و قدرت در حال مبارزه هستند که این شکستی بزرگ برای رژیم صهیونیستی است.» ایشان شکست بزرگ‌تر از آن فرهنگ و تمدن غرب خواندند و گفتند: «قتل عام ۱۰ هزار کودک معصوم و بی‌گناه با بمب‌های دو تئو و انواع تسلیحات در حالی که سیاستمداران غربی حتی خم به ابروی خود نیاوردند، باعث رسوایی سیاستمداران دروغگوی غربی و مدعیان حقوق بشر شد و بی‌اعتباری تمدن غرب را به همه دنیا نشان داد که این بزرگ‌ترین شکست برای آنها است.» آیت‌الله خامنه‌ای جبهه‌پشتیبان رژیم صهیونیستی را جبهه شرارت خواندند و افزودند: «در مقابل این جبهه شرارت، جبهه مقاومت ایستاده و به توفیق الهی پیروزی از آن جبهه مقاومت است.» رهبری در این دیدار همچنین استان فارس را برترین مظهر ترکیب دین، حماسه و هنر خواندند و با گرامیداشت یاد شهیدان برجسته این دیار از گذشته تا کنون از جمله شهیده معصومه کرپاسی که به تازگی در لبنان هدف جنایت رژیم صهیونیستی قرار گرفت، گفتند: «کنگره شهدای استان فارس باید ترکیب زیبایی حماسه و هنر و دین را ماندگار کند.» ایشان با اشاره به تلاش‌هایی در دوره پهلوی برای دین‌زدایی از شیراز و استان فارس خاطرنشان کردند: «غلط کردند کسانی که در آن دوره خیال کردند با اقدامات سخیفی مانند جشن هنر شیراز می‌توانند شیراز را از حرم اهل بیت و مرکز دین و ایمان به نقطه فساد برگردانند. البته امروز نیز برخی تقاله‌ها و پسماندن‌های آن تشکیلات در کشور عزیز ما به دنبال جدا کردن هنر از معنویت و حماسه‌اند اما آنچه موجب پیشرفت کشور و ملت است، ترکیب دین، حماسه و هنر است.»



بدون آمادگی مردم افزایش قیمت بنزین نخواهیم داشت

فاطمه مهاجرانی روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت در پاسخ به سوالی در باره وضعیت قیمت بنزین گفت: «همانطور که بارها تأکید شده، مردم در مورد افزایش قیمت بنزین غافلگیر نخواهند شد. حتماً اگر موضوع افزایش بنزین به جمع‌بندی بخواهد برسد با مردم مطرح می‌شود و بدون آمادگی مردم هیچ‌گونه افزایش قیمت بنزین را نخواهیم داشت.» سخنگوی دولت در مورد وضعیت دو خبرنگار بازداشتی گفت: «موضوع دو خبرنگار بازداشتی در حیطه اختیارات ریاست قوه قضائیه است و دولت هم از طریق قوه قضائیه در حال پیگیری موضوع است. از همکاری خوب قوه قضائیه تشکر می‌کنیم نگاه‌شان نگاه حل مسئله‌ها بوده است.»



تکمیل: دانیال شایگان/اقتصادنیوز

حکمرانی خوب، حکمرانی بد

گفتاری از **حجت میرزایی** در نشست مجازی «حکمرانی شایسته؛ هم مسیر و هم هدف»

گروه سیاست: سی‌ام مهرماه، در ادامه سلسله جلسه‌هایی که گروه تلگرامی «گفت و شنود» برگزار می‌کند، نشست با عنوان «حکمرانی شایسته؛ هم مسیر و هم هدف» برگزار شد که در این نشست، حجت میرزایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، طی سسی دقیقه مباحثی را پیرامون موضوع حکمرانی خوب، شاخص‌ها و پارامترهای نمره دهی به سیستم حکمرانی بیان کرد؛ درباره وضعیت ایران در این شاخص‌ها نکته‌هایی را بیان کرد و در پایان این تحلیل را ارائه داد که در دولت چهاردهم و مسعود پزشکیان چه حرکتی را برای بهبود وضعیت می‌توانند انجام دهند.

▼ حق توسعه

در دو سال گذشته و بعد از آنکه میانی نظری و تجربیات خیلی خوبی درباره کیفیت حکمرانی از کشورهای در حال توسعه و یا کشورهای تازه توسعه‌یافته منتشر شده است، در ایران هم مطالعات خیلی خوبی انجام شده و گزارش‌های بسیار خوبی منتشر شده و آثار تالیفی متعددی هم در دسترس قرار گرفته است. خوشبختانه یک نهضت ترجمه و تألیف با حساسیت به موضوع توسعه ایران در دو سال اخیر راه افتاده و من در جریان برخی از آنها هستم. این نهضت مبارکی است، حاکی از این است که حساسیت بسیار خوبی در بیت شهروندان ایران نسبت به حق توسعه ایجاد شده است. موضوع حق توسعه هم در ادبیات امروز جهان به یک مفهوم متداول تبدیل شده است. من چندی پیش با یکی از دوستان نزدیکم که در کانادا دکتری حقوق می‌خواند و علاقه‌مندی‌های مشترکی در باب توسعه داریم، گفت‌وگو می‌کردم و حجم زیادی از منابع و متون در کانادا، اروپا و آمریکا شکل گرفته که موضوع اصلی آنها توسعه به مثابه یک حق عمومی و مطالبه شهروندی است و البته این شاید از دهه ۱۹۹۰ به این سو با طرح حقوق شهروندی، به خصوص حق برابری فرصت‌ها و یا حق شکوفایی قابلیت‌ها که توسط «آمارتیا سن» مطرح شد، کم‌کم و به تدریج در این سه دهه گذشته به یک موضوع مهم برای گفت‌وگو و هم‌منظور یک سرفصل اساسی به‌عنوان مطالبه شهروندان و یا دستور کار سیاستمداران قرار گرفته است.

اما آنچه که به خصوص از ۱۹۹۰ به این سو، خیلی مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان یک مفهوم توضیح‌دهنده برای توسعه‌های شگفت‌انگیز به‌خصوص در قاره آسیا، آمریکای لاتین و برخی کشورهای آفریقایی مطرح می‌کند، همین نظریه کیفیت حکمرانی است. به نظر می‌رسد که اگر دربار این نظریه و ابعاد و اضلاع آن، شاخص‌هایی که مطرح می‌شود، مؤلفه‌ها و سنجه‌هایی که برای آن مطرح می‌شود و هم‌منظور گفت‌و‌شنونده‌های زیادی که راجع به اهمیت حکمرانی در تئوری‌های توسعه در سه دهه اخیر شکل گرفته، دقت کنیم، حاکی از این است که به یک تئوری توضیح‌دهنده خوب دست پیدا کرده‌ایم. اگر چه در خیلی از موارد، نظریه حکمرانی قدرت توضیح ندارد و اینها، آنهایی است که به‌خصوص افرادی مانند فوکویاما برجسته کرده‌اند و در مقالات و کتاب‌هایی که سال‌های اخیر از آنها منتشر شده است، این ناتوانی توضیحی نظریه حکمرانی خوب را برجسته می‌کنند.

▼ دولت‌گنده

من تمایل دارم آنچه که در پایان می‌خواهم بگویم را همین ابتدا مطرح کنم و بعد آن را بسط دهم و دلایل متعددی هم برای این موضوع دارم. ممکن است ما از یکدیگر شناخت درستی نداشته باشیم، قضاوت‌های پیشینی داشته باشیم، براساس آنچه که از ارتباطات افراد یا گفتارهایی که به صورت بریده‌بریده در فضای عمومی منتشر می‌شود، شکل بگیرد و من تلاش می‌کنم هم آنچه که به‌عنوان یک راه‌حل برای ایران مدنظرم است و هم به شکل‌گیری یک ذهنیت مشترک کمک می‌کند را همین ابتدا بگویم. من هم با این موافق هستم که ما امروز با یک دولت بسیار بزرگ مواجه هستیم که من البته اسم آن را «دولت گنده» می‌گذارم، برای اینکه بزرگی متضمن برخی الزامات و شایستگی‌هاست که من فکر می‌کنم دولت در ایران از آن برخوردار نیست. منظورم از دولت گنده، دولتی است که یال و کوپال خیلی بزرگی دارد و دامن آن تا زندگی خصوصی ما کشیده شده اما با یک ویژگی دیگر یعنی وارفتگی مواجه شده است. منظورم از دولت وارفته، دولت ناتوانی است که شعارهای پرطمطراق و دهان‌پرکنی می‌دهد، ادعاهای بزرگی را مطرح می‌کند

اما نمی‌تواند آن شعارها و وعده‌ها را به سیاست و اقدام تبدیل کند و اگر هم تصادفاً در یک مورد بتواند آن وعده‌ها را به سیاست و اقدام تبدیل کند، قدرت اجرای آن را ندارد و اگر هم باز به طور موردی بتواند وعده‌ها را به سیاست و اقدام تبدیل کند و آن اقدامات و سیاست‌ها را هم اجرا کند، اما امکان ارزش‌یابی، اصلاح و تداوم و بسط آنها را به حوزه‌های دیگر ندارد. این دولت یک دولت وارفته است. در مقابل آن، دولت توانمند، دولتی است که متناسب با توانایی‌هایش شعار می‌دهد و آن شعارها را به سیاست‌های اثربخش تبدیل می‌کند و در مقابل سیاست‌ها، نتایج و پیامدهای آن هم پاسخگو است و مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. از این روی، ما به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم دولت ایران را یک دولت باکیفیت، یک دولت توانمند، یک دولت اثربخش و یا یک دولت بزرگ تلقی کنیم. اگر بخواهیم با شاخص‌های متعارف مثل سهم دولت در اقتصاد ایران صحبت کنیم، گفته می‌شود که دولت چیزی حدود ۸۰ درصد از اقتصاد را در اختیار دارد اما من می‌گویم که سهم دولت ایران در اقتصاد، قطعاً بیش از ۹۰ درصد است و اگر دقیق‌تر برآورد کنیم، سهم بخش عمومی به معنی دقیق‌تر (یعنی بخش دولتی و غیردولتی) شاید به حدود ۹۵ درصد برسد. آن مبنای ۸۰ یا ۸۲ درصد، سهمی است که بخش عمومی از بازار سرمایه یا بورس دارد؛ آنجایی که می‌شود ارزش و سهم یا نسبت مالکیت دولتی به کل دارایی‌های بورسی را اندازه‌گیری کرد، هم ما می‌دانیم بخش بسیار بزرگ‌تری از این دولت خارج از بورس است و شرکت‌های اصلی و بزرگ دولت که دارایی‌های آن را شکل می‌دهد و هم‌منظور بخشی از دارایی‌ها که می‌تواند مولد باشد و قابلیت ارزیابی ریالی و تقویم ریالی ندارد، خارج از بورس است که برای مثال می‌توان به شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، شرکت‌های آب و فاضلاب، شهرداری‌ها و بسیاری از سازمان‌های عمومی غیردولتی در بورس نیستند و ارزش‌گذاری نشده‌اند اما بخش بزرگی از مالکیت دولتی را در اختیار دارند، یا همه آنها صدرصد دولتی است و در تولید کالا و خدمت نقش اساسی دارند، به همین دلیل، حساسیت نسبت به اندازه دولت در ایران، حساسیت بسیار درستی است و اینکه گفته